

رویکرد معناشناسانه قالبی به انواع فعل ناقل و راهبردهای برگردان آنها در ادبیات روایی: نمونه موردی برگردان فارسی رمان *دل تاریکی*

علیرضا راستی* (گروه زبان انگلیسی، دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ایران)

چکیده

هدف از پژوهش کنونی بررسی راهبردهای ترجمه افعال ناقل به فارسی در چارچوب رهیافت معناشناسی قالبی است. بدین منظور در گام اول تمام ۳۶۰ فعل ناقل موجود در متن اصلی رمان *دل تاریکی* استخراج شد و سپس مطابق با فهرست قالبی سمنز (۲۰۰۹) با ناقل‌های مورد استفاده در برگردان فارسی اثر توسط صالح حسینی به‌طور تطبیقی بررسی شد. یافته‌ها علاوه بر بسامد بسیار بالای قالب‌های معنایی ارتباط بیانی، حاکی از بسامد نسبی قالب‌های ارتباط پرسشی، ارتباط حفظ نوبت، ارتباط حالتی، و ارتباط صوتی و نیز رخداد اندک یا عدم وجود مصادیق مربوط به سایر قالب‌ها در هر دو اثر بود. در گام بعدی پژوهش، دوازده راهبرد ترجمه که توسط مترجم استفاده شده بود، شناسایی شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که پس از راهبرد برگردان تحت‌اللفظی، راهبردهایی نظیر تبدیل ناقل‌های لحنی به خنثی، تبدیل فعل غیرناقل به ناقل، استفاده از ساخت‌های قید + فعل و عبارت حرف اضافه + فعل، و تبدیل فعل ناقل به دو ناقل در متن مقصد بیشترین بسامد را در پیکره زبانی داشتند. با توجه به یافته‌ها به نظر می‌رسد زبان انگلیسی به‌ویژه در گونه ادبی روایی خود از افعال گفتاری بیشتر و ساخت‌های با انعطاف بیشتری نسبت به فارسی بهره می‌جوید که برگردان آنها را برای مترجم فارسی چالش برانگیز می‌سازد. از نتایج این تحقیق و تحقیقات تکمیلی مشابه می‌توان در توانمندسازی مترجمان تازه‌کار و کمک به غنای ظرفیت برگردان فارسی بهره جست.

کلیدواژه‌ها: فعل ناقل، راهبردهای ترجمه، معناشناسی قالبی، متون روایی، *دل*

تاریکی

* نویسنده مسئول a.rasti@kazerunfsu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۴

۱. مقدمه

ناقل‌ها^۱ دسته‌ای از افعال هستند که برای بیان و انتقال گفته‌ها و اظهارات یک فرد به فرد دیگر به کار می‌روند و در گونه نوشتاری زبان، به‌ویژه در گونه‌های مختلف ادبیات روایی اعم از داستان کوتاه و رمان کوتاه و بلند، گستردگی و تنوع قابل ملاحظه‌ای دارند. ناقل‌ها همچنین در گونه زبان مطبوعاتی از قبیل خبر و گزارش‌های خبری نقش برجسته‌ای ایفا می‌کنند چون در این گونه زبانی رایج در عصر حاضر قرار است ظاهری بی‌طرف ارائه دهند و رویدادهایی را که گزارش می‌دهند عینی و فاقد جهت‌گیری خاصی نشان دهند. این افعال و ترکیبات همراه با آن‌ها در ادبیات داستانی دارای کارکردهایی چند نظیر ایجاد بافت زمینه^۲، القای حس و دیدگاه خاص شخصیت‌ها به مخاطب، کمک به شناسایی بهتر ماهیت شخصیت‌ها، ایجاد فضای داستانی مشخص، و... هستند. سمز^۳ (۲۰۰۹، ص. ۱۴۸) معتقد است افعال ناقل در روایت‌های انگلیسی «خلاقانه‌تر» به کار گرفته می‌شوند و در گونه مطبوعاتی کاربرد آن‌ها محدود به معرفی شخصیت‌های جدیدی است که در خبر به‌خصوصی ایفای نقش می‌کنند و در این جا اغلب قالب‌بندی شده و کلیشه‌ای‌ترند. خلاقیت به‌کاررفته در کاربرد ناقل‌ها در گونه ادبی روایی از این رو نشئت می‌گیرد که خیلی از افعال و ساخت‌هایی که اساساً در سایر بافت‌های زبانی کاربردی غیر از بیان گفته‌های فرد دارند، نقش فعل گفتاری به خود می‌گیرند به‌گونه‌ای که می‌توان گفت با یک سری فعل متمایز از کنش‌گفتارهای مرسوم و جافتاده در گونه گفتاری زبان سروکار داریم. برای مثال، در زبان انگلیسی فعل *gasp* به معنای تند و ناشمرده و نامنظم نفس کشیدن همراه با یک نقل قول می‌آید و حالت فیزیکی بیان جمله یا جملات گوینده را نشان می‌دهد. کاربرد چنین فعلی اصولاً در سایر گونه‌های زبانی بسیار نامأنوس و دور از ذهن می‌نماید. از سوی دیگر، ساخت‌های مربوط به نقل قول صرفاً از یک گوینده و فعل ناقل تشکیل نمی‌شوند بلکه اغلب، خصوصاً در ادبیات داستانی نوشتاری، بسط

-
1. quoting verbs
 2. contextualization
 3. Sams

داده می‌شوند و عناصر دیگری را نیز در بر می‌گیرند که به خواننده نه تنها اطلاعاتی دربارهٔ هویت گوینده می‌دهند بلکه لحن و چگونگی ادای گفته‌ها را نیز منتقل می‌نمایند.

برگردان افعال ناقل به‌ویژه از انگلیسی به زبان‌هایی که فاقد تنوع و گستردگی کاربرد و انعطاف ساخت‌های ناقل انگلیسی‌اند به دلایل زیادی از دشواری و در عین حال ظرافت خاصی برخوردار است. اولاً، همان‌طور که پیش‌تر بدان اشاره شد، در بسیاری از موارد در گونهٔ ادبیات روایی نوشتاری افعال ناقل دو نقش توأمان را ایفا می‌کنند، بدین معنا که هم ناظر بر گفته‌های شخص‌اند و گوینده را به ما می‌نمایانند، و هم کم‌وکیف فیزیکی و لحنی بیان را به صورتی دقیق و قابل تصور به مخاطب اثر انتقال می‌دهند. ثانیاً، در مقام مقایسه، افعال ناقل موجود در زبان انگلیسی از نظر تعداد به افعال ناقل فارسی می‌چربند و برتری قابل ملاحظه‌ای دارند. از این رو، مترجمان برای القای ظرایفی که توسط ناقل‌های زبان مبدأ نمایانده می‌شود ناگزیرند به راهبردهای برگردانی به‌خصوص و بعضاً خلاقانه‌ای تمسک جویند که حاصل تجربهٔ بسیار آنان در ترجمهٔ ادب روایی و سایر گونه‌های به‌لحاظ ساخت ناقلی غنی است.

۲. پیشینهٔ پژوهش

تاکنون پژوهش‌هایی چند به مقولهٔ افعال ناقل و ماهیت برگردان آن‌ها به فارسی پرداخته‌اند (بهزادی، خزاعی فرید، و خوش سلیقه، ۱۳۹۵؛ مختاری اردکانی، ۲۰۰۲؛ نورا، ۱۳۹۳؛ نورا و خزاعی فرید، ۱۳۹۷). با این حال، از جنبه توصیفی، شاهدیم که هیچ دسته‌بندی جامعی در این زمینه وجود ندارد و از آنجا که تعداد آن‌ها در مقایسه با افعال ناقل زبان انگلیسی کمتر (مختاری اردکانی، ۲۰۰۲؛ نورا، ۱۳۹۳) و کم‌انعطاف‌تر است، بررسی تطبیقی پر دامنه و بسیاری توسط پژوهشگران مطالعات ترجمه و زبان‌شناسی کاربردی در مورد ماهیت معنایی آن‌ها و نیز کم‌وکیف برگردان آن‌ها از یک زبان به‌لحاظ ناقل غنی مثل انگلیسی به زبان فارسی صورت نپذیرفته است تا احیاناً چالش‌های احتمالی که مترجمان آثار ادب روایی انگلیسی با آن مواجه‌اند، مشخص شود.

نورا (۱۳۹۳) یکی از معدود مواردی است که به بررسی روند تحول افعال ناقل در فارسی در قبل و بعد از نهضت ترجمه پرداخته و نیز «شیوه‌های ترجمه» این افعال را پس از بررسی موارد رخداد آن در اصل و ترجمه سه رمان گتسبی بزرگ، گفتگو در کاتدرال، و منسفیلد پارک تا حدودی استخراج و فهرست نموده است. آنچه پژوهش کنونی را متمایز از معدود آثار انجام‌شده در زمینه ماهیت افعال ناقل در ترجمه‌های فارسی می‌سازد این است که این پژوهش هرچند موردپژوهی است و گسترده به چنین مقولاتی نمی‌پردازد با اتخاذ رویکردی زبان‌شناسانه (به‌طور خاص رویکرد معناشناسانه قالبی) سعی در بررسی نوع این افعال و راهبردهای ترجمه آن‌ها به فارسی دارد. سایر پژوهش‌های انجام‌شده در باب افعال ناقل اغلب نظام‌مند و در قالب چارچوبی نظری یا تحلیلی زبان‌شناسانه به بررسی آن‌ها پرداخته‌اند.

در سایر زبان‌ها، پژوهش‌های بیشتری در زمینه افعال ناقل توسط محققان مطالعات ترجمه و زبان‌شناسی کاربردی انجام شده است. چنین پژوهش‌هایی کمابیش به دو شکل عمده انجام شده است: دسته اول پژوهش‌هایی هستند که نوع و کارکرد آن‌ها را در یک زبان خاص مثل انگلیسی (بیکر^۱، ۲۰۰۰؛ پورتینن^۲، ۲۰۰۳؛ کوننو^۳، ۲۰۱۳) بررسی کرده‌اند، و دسته دوم پژوهش‌هایی هستند که به‌صورت تطبیقی میزان رخداد و ماهیت کارکردی آن‌ها را در برگردان متون عمدتاً روایی از زبانی به زبان دیگر تحلیل نموده‌اند (پیپالوفا^۴، ۲۰۱۲؛ ویرف نارو^۵، ۲۰۱۲؛ ویتترز^۶، ۲۰۰۷).

در زبان انگلیسی همچنین چندین دسته‌بندی جامع توصیفی برای مطالعه، مقایسه، و درک بهتر افعال ناقل ارائه شده است. کلدس-کولتارد^۷ (۱۹۹۴، ص. ۳۰۶)، برای مثال، چنین افعالی را به سه دسته کلی افعال گزارشی^۸، افعال توصیفی^۹ و افعال متنی^۱

-
1. Baker
 2. Puurtinen
 3. Konno
 4. Pipalova
 5. Wirf Naro
 6. Winters
 7. Caldas-Coulthard
 8. speech-reporting verbs
 9. descriptive verbs

تقسیم می‌کند. دسته اول یعنی افعال گزارشی خود به سه دسته کوچک‌تر افعال ساختاری ختشی^۲ نظیر say و answer، افعال فراگزاره‌ای^۳ نظیر remark و urge و افعال فرازبانی^۴ نظیر narrate تقسیم می‌شوند. افعال ختشی «گفته‌ای را بدون اینکه صراحتاً آن را مورد ارزیابی و قضاوت قرار دهند معرفی می‌کنند» (کلدس-کولتارد، ۱۹۹۴، ص. ۳۰۵)، در حالی که افعال فراگزاره‌ای/زبانی بر شدت عمل/تأثیر فعل و تأثیر گوینده متمرکزند. افعال توصیفی حالت و دیدگاه گوینده را در قبال آنچه نقل می‌شود نشان می‌دهند. این افعال در دسته‌بندی کلدس-کولتارد بر دو قسم‌اند: افعال عروضی^۵ نظیر cry و shout و افعال غیرزبانی^۶ مانند laugh و whisper. افعال متنی مانند go on که «نشان‌دهنده ارتباط گفته با سایر اجزای کلام‌اند» (کلدس-کولتارد، ۱۹۹۴، ص. ۳۰۶)، توسط نویسنده برای نظم دادن به برونداد زبانی فرد به کار می‌روند.

سمز (۲۰۰۹) در زبان انگلیسی، با اتخاذ رهیافت معناشناسانه قالبی^۷ که مبنای پژوهش کنونی است، به دسته‌بندی قالب‌های^۸ مختلف فعل ناقل پرداخته است. اعتبار معناشناسی قالبی به چارلز فیلمور^۹، زبان‌شناس آمریکایی، می‌رسد که نقش‌های معنایی^{۱۰} مانند نقش کنشگر^{۱۱}، ابزار^{۱۲}، تجربه‌گر^{۱۳} و... را برای توصیف معنای واژگان ناکافی می‌دید. از دید فیلمور، قالب^{۱۴} به یک چارچوب و سناریوی ذهنی خاص اطلاق می‌شود که معنای واژه‌های مرتبط با هم در پس‌زمینه آن توسط افراد درک و

1. transcript verbs
2. neutral structuring verbs
3. metapositional verbs
4. metalinguistic verbs
5. prosodic verbs
6. paralinguistic verbs
7. frame semantics
8. framenet
9. Charles Filmore
10. semantic roles
11. agent
12. instrument
13. experiencer
14. frame

فهم می‌شود (مورفی و کاسکلا^۱، ۲۰۱۰، ص. ۱۸۸). وی نخستین بار در جایی که متوجه شد افعالی نظیر buy, sell, purchase و pay همگی وجه اشتراکشان قالب معنایی تبادلات مالی است و در چارچوب چنین مفهومی کلی است که معنا از آنها استخراج می‌شود مفهوم قالب معنایی را در مورد افعال به کار برد. از حیث حیطه‌های معنایی، مهم‌ترین افعال ناقل در انگلیسی به ۱۳ قالب تقسیم می‌شوند (سمز، ۲۰۰۹). جدول ۱ برگرفته از طبقه‌بندی سمز (۲۰۰۹) است:

جدول ۱. فهرست قالب‌های معنایی افعال ناقل و مصادیق آنها (برگرفته از سمز، ۲۰۰۹)

نمونه افعال ناقل	قالب‌های معنایی ناقل‌ها	
clap, shrug, yawn	بدن/حرکات بدن	۱
frown, grin, sneer	بدن/تغییر چهره	۲
breathe, gasp, sigh	بدن/تنفس	۳
note, observe	شناخت/آگاهی	۴
boast, compliment, scold	شناخت/ارزیابی	۵
babble, mutter, shout, slur, stammer, whisper	ارتباط/حالت	۶
bark, call, cry, hiss, scream, snap, yell	ارتباط/صدا	۷
ask, inquire	ارتباط/پرسش	۸
announce, comment, declare, explain, inform, remark, say, state, tell	ارتباط/بیان	۹
add, begin, finish, pursue, interrupt	ارتباط/حفظ نوبت	۱۰
blurt (out), explode, gush, ooze	عاطفه/فشار	۱۱
hear, overhear	ادراک/تجربه	۱۲
advise, encourage, urge, warn	ترغیب	۱۳

سمز (۲۰۰۹) پیکره‌ای زبانی متشکل از ادبیات داستانی و متون مطبوعاتی را از حیث نوع و چگونگی کاربرد ساخت‌های زبانی ناقل^۲ (فعل ناقل همراه یک عبارت

1. Murphy and Koskela

2. quotative

یا بند) مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که کم‌وکیف کاربرد چنین ساختارهایی تابعی است از گونهٔ زبانی^۱ که در آن به‌کار می‌روند. وی دریافت که گونهٔ نوشتاری روایی عمدتاً از ساخت‌های ناقل تهی^۲، استفاده از قید در آن‌ها، و ضمیر در مقام گوینده بهره می‌جوید. از طرف دیگر، گونهٔ مطبوعاتی بیشتر از افعال ناقل قالب ارتباط بیانی، ناقل‌های آغازین یا وارونه، و نیز عبارات وصفی در ساخت ناقل استفاده می‌کند.

با در نظر داشت خلأ پژوهشی مربوط به فقدان دسته‌بندی توصیفی افعال ناقل در زبان فارسی، پژوهش فعلی بر آن است تا با بررسی موردی، افعال ناقل از منظری خاص یعنی منظر معنانشناسانه قالبی ضمن توصیف مقولات آن به‌صورتی تطبیقی و نیز میزان بسامد آن را در متن اصلی یک رمان انگلیسی (*دل تاریکی*)^۳ اثر جوزف کنراد^۴، (۱۹۹۵) و برگردان فارسی آن (ترجمهٔ صالح حسینی، ۱۳۶۴) مشخص کند با توجه به عدم همخوانی عددی افعال ناقل در انگلیسی و فارسی که علی‌القاعده پیش‌بینی می‌شود برگردان آن‌ها را برای مترجم زبان مقصد (فارسی) دشوار کند مترجمان در مواجهه با چنین ساخت‌های زبانی پرتکراری در گونه‌هایی نظیر گونهٔ ادب روایی و گونهٔ مطبوعاتی (سمز، ۲۰۰۹) در عمل از چه راهبردهای ترجمه^۵ به‌خصوصی بهره می‌جویند و احیاناً به چه نوآوری‌ها و ابتکار عمل‌هایی در این زمینه دست می‌زنند.

۳. روش پژوهش

روش به‌کاررفته در این پژوهش از نوع توصیفی‌اکتشافی^۶ (سالدانا و اوبراین^۷، ۲۰۱۳) است که با هدف توصیف فهرستی از راهبردهای ترجمه به‌کاررفته در برگردان فارسی رمانی انگلیسی و نمایاندن مصادیق زبانی و کارکردهای آن صورت

-
1. genre
 2. Null quotative
 3. Heart of Darkness
 4. Joseph Conrad
 5. translation strategies
 6. descriptive-explanatory
 7. Saldanha & O'Brien

گرفته است. علاوه بر آن، این پژوهش کوشیده میزان و نوع قالب‌های معناشناسانه افعال ناقل را هم در پیکره زبان مبدأ و هم در زبان مقصد تشریح کند.

این پژوهش در دو مرحله انجام شد. در گام اول، متن زبان مبدأ (رمان انگلیسی *دل تاریکی* جوزف کنراد، ۱۹۹۵) و برگردان فارسی آن (توسط صالح حسینی، ۱۳۶۴) دقیق بررسی شد تا تعداد افعال ناقل در آن‌ها شناسایی و شمارش شود. شناسایی و شمارش این افعال، برای افزایش پایایی^۱ داده‌ها، دو بار به فاصله زمانی دو ماه توسط پژوهشگر انجام شد. در این مرحله، بندهای^۲ حاوی ساخت‌های ناقل در هر دو پیکره زبانی شامل فعل ناقل و منضمات آن، فرد ناقل، و نیز عبارت نقل‌شده همراه با اطلاعاتی نظیر اینکه آیا ساخت ناقل بعد از عبارت نقل‌شده واقع است یا قبل از آن، و اینکه آیا وارونگی (جابجایی فعل و فاعل) حادث شده یا خیر، در جدولی به تفکیک با ذکر صفحه ثبت شد. علاوه بر آن، در هر مرتبه خوانش متن دو پیکره زبانی و شمارش موارد رخداد افعال ناقل، هر فعل با جدول معناشناسانه قالبی سمز (۲۰۰۹) مطابقت داده شد و قالب آن شناسایی شد و شمارش شد.

در مرحله بعد از پژوهش، مجدداً متون هر دو پیکره به دقت مطالعه شد و از آن جا که در فارسی تا جایی که محقق اطلاع دارد، تاکنون کار توصیفی درخوری در زمینه نحوه ترجمه ساخت‌های ناقل و عنصر مرکزی آن‌ها یعنی فعل صورت نگرفته، توصیفات و برجسب‌هایی در مورد راهبردهای برگردانی برای موارد مشابه توسط پژوهشگر انتخاب شدند. برای مثال، اگر در متن اصلی تنها یک فعل ناقل آمده بود اما مترجم آن را به صورت دو فعل متوالی که با حرف ربط (و) متصل شده‌اند، ترجمه کرده بود راهبرد مورد نظر راهبرد «تبدیل فعل ناقل به دو فعل در متن مقصد» نامگذاری شد، یا اگر فعل پیکره مبدأ از نوع «توصیفی لحنی» (کلدس-کولتارد، ۱۹۹۴) بود اما مترجم به هر دلیلی آن را به صورت فعل «خنتی» به فارسی برگردانده بود عنوان و برجسب «تبدیل فعل لحنی به فعل خنتی» برای آن انتخاب شد.

1. reliability

2. clauses

۳.۱. پیکره زبانی

پژوهش پیش‌رو پژوهشی است تطبیقی که به بررسی رمان انگلیسی *دل تاریکی* و برگردان فارسی آن از نقطه‌نظر ماهیت قالب‌های معنایی افعال ناقل در هر دو پیکره و استخراج راهبردهای ترجمه آن دو می‌پردازد. علت انتخاب پیکره انگلیسی این بود که انتظار می‌رفت موضوع پژوهش یعنی افعال ناقل که به گواه مطالعات مرتبط پیشین (سمز، ۲۰۰۹)، بیشترین بسامد و تنوع را در ژانر ادبی روایی نوشتاری در زبان انگلیسی دارد، در پیکره زبانی مد نظر نیز از میزان رخداد قابل توجهی برخوردار باشد. مضافاً اینکه رمان مورد نظر از نقطه‌نظر پی‌رنگ^۱ داستان در داستان به‌شمار می‌رود که این موضوع احتمال رخداد تعداد افعال ناقل را در پیکره بیشتر می‌ساخت.

دل تاریکی یکی از رمان‌های شاخص جوزف کنراد، نویسنده لهستانی بریتانیایی است که در اواخر سده نوزدهم به رشته تحریر در آمده است و به شرح سفر پرماجرایی مارلو^۲ به سرزمین تا آن زمان ناشناخته آفریقا و ملاقات با یک تاجر عاج به نام کورتز^۳ و بلندپروازی‌ها و فرجام کار وی می‌پردازد.

در رابطه با برگردان فارسی اثر *دل تاریکی* باید گفت علت انتخاب برگردان صالح حسینی این بود که حسینی به دلیل سابقه و اشتغال بالا و نیز تسلط زیاد به ترجمه قالب‌های ادبیات روایی قاعداً می‌توانست در قیاس با مترجمان تازه‌کار یا کم‌تر شناخته‌شده از راهبردهای بیشتر، متنوع‌تر و پیچیده‌تری در برگردان ساخت‌های ناقل بهره برده باشد؛ امری که تحلیل داده‌های پژوهش فعلی به وضوح حاکی از آن بود و یافته‌ها به‌نوعی بر آن صحه گذاشت.

1. plot
2. Marlowe
3. Kurtz

۴. نتایج و بحث

۴.۱. بررسی نوع و میزان قالب‌های معنایی افعال ناقل به کاررفته در پیکره‌های زبانی مبدأ و

مقصد

در بررسی توصیفی کاربرد ناقل‌ها در متن اصلی اثر که به زبان انگلیسی است، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، ابتدا متن اثر دو بار مجزا آن هم به فاصله دو ماه بررسی شد و در هر بار بررسی، ناقل‌ها شناسایی شدند و تعداد آن‌ها مشخص شد. دو بار خوانش اصل و برگردان اثر از این رو صورت گرفت تا پایایی مقوله‌های شناسایی شده افزایش یابد و به رفع ابهام از مواردی کمک کند که انتخاب آن‌ها در غیاب کاربرد صریح یک فعل ناقل محل بحث و تردید بود. پس از طی این دو مرحله ۳۶۲ ناقل در فارسی و ۳۶۰ ناقل در متن اصلی شناسایی شد. دلیل این مغایرت کاربرد راهبرد افزودن توسط مترجم اثر است که در مواردی تصمیم گرفته قبل از نقل قول‌های طولانی و گسسته شخصیت‌ها، خود شخصاً افعالی اضافه کند تا احتمالاً به زعم خود خواننده مسیر گفتارها و سیر رویدادهای داستانی را بهتر و با نظم بیشتری دنبال کند. در گام بعدی پژوهش، ناقل‌ها، چون در زبان انگلیسی از انعطاف عملکردی بسیار بالایی برخوردارند، از نظر معیارهایی نظیر مکان قرارگیری (قبل یا بعد از عبارت یا عبارات نقل شده)، وارونگی^۱ (یعنی جابجایی فعل ناقل و فاعل آن که نقش گوینده را داراست) بررسی و شمارش شدند. مثال‌های زیر که از متن انگلیسی رمان گرفته شده، کار انجام شده را روشن‌تر می‌سازد:

'Oh, I never see them,' **he remarked.** (Heart of Darkness, 1995, p. 13)
(جایگاه پسینی فعل ناقل / ساخت فاقد وارونگی)

She said suddenly very low, 'He died as he lived.' (Joseph Conrad: Three Novels, 1995, p. 90)
(جایگاه پیشینی فعل ناقل / ساخت فاقد وارونگی)

'Anything since then?' **asked the other** hoarsely. (Joseph Conrad: Three Novels, 1995, p. 36)
(جایگاه پسینی فعل ناقل / ساخت واجد وارونگی)

1. inversion

یافته‌های این بخش در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲. اطلاعات مربوط به مکان قرارگیری/وارونگی افعال ناقل در پیکره انگلیسی

وارونگی	جایگاه پسینی	جایگاه پیشینی	
۵۱	۲۲۰	۱۳۵	تعداد (در متن اصلی اثر)

بررسی رخداد قالب‌های مختلف در متن انگلیسی و برگردان فارسی اثر مؤید این نکته بود که پرسامدترین قالب معنایی مربوط به حیطة ارتباط بیانی در هر دو پیکره فارسی و انگلیسی بود با این تفاوت که رخداد چنین قالب‌هایی در فارسی ۴۵ مورد بیشتر از متن انگلیسی بود، احتمالاً به این دلیل که فارسی در گونه نوشتاری روایی، تعدد و تنوع افعال ناقل انگلیسی را دارا نیست و مترجم ناگزیر از کاربرد بیشتر افعال ناقل مربوط به قالب ارتباط بیانی می‌شود در جایی که در متن اصلی افعالی از جنس قالب‌های معناشناسانه دیگر به کار می‌روند. پس از قالب معنایی ارتباطی بیانی که رخداد زیاد آن‌ها دور از ذهن هم نمی‌نماید، سایر قالب‌ها به ترتیب شامل قالب‌های ارتباط حالتی، ارتباط پرسشی، ارتباط حفظ نوبت، ارتباط صوتی و ادراکی بیشترین رخداد و بسامد را داشتند. جدول ۳ میزان رخداد و درصد به کاررفته هر یک از قالب‌های معنایی در پیکره‌ها را نشان می‌دهد:

جدول ۳. نوع و میزان رخداد قالب‌های معنایی به کاررفته در پیکره‌ها

میزان بسامد در پیکره (فارسی)	میزان بسامد در پیکره متن اصلی (انگلیسی)	میزان بسامد در پیکره	قالب‌های معنایی ناقل‌ها
۲	۲	۱	بدن/حرکات بدن
۱	۱	۲	بدن/تغییر چهره
۱	۱	۳	بدن/تنفس
۲	۳	۴	شناخت/آگاهی
۰	۱	۵	شناخت/ارزیابی
۳۹ (٪۱۰/۷۴)	۴۲ (٪۱۱/۵۷)	۶	ارتباط/حالت
۱۶ (٪۴/۴)	۲۱ (٪۵/۷۸)	۷	ارتباط/صدا

میزان بسامد در پیکره ترجمه (فارسی)	میزان بسامد در پیکره متن اصلی (انگلیسی)	قالب‌های معنایی ناقل‌ها	
۲۸ (%۷/۷۱)	۲۸ (%۷/۷۱)	ارتباط/پرسش	۸
۲۱۶ (%۹۹/۶۶)	۱۷۱ (%۴۷/۵)	ارتباط/بیان	۹
۱۹ (%۵/۲۴)	۲۷ (%۷/۵)	ارتباط/حفظ نوبت	۱۰
۳ (%۰/۸۲)	۹ (%۲/۵)	عاطفه/فشار	۱۱
۱۳ (%۳/۵۹)	۱۵ (%۴/۱۶)	ادراک/تجربه	۱۲
۴ (%۱/۱)	۱۲ (%۳/۳۳)	ترغیب	۱۳
۰	۵	شناخت/تفکر	۱۴
۱	۲	شناخت/قصد	۱۵

نکته حائز اهمیتی که وجود دارد و باید درباره جدول ۳ بدان اشاره کرد این است که در بررسی پیکره‌های زبان‌های مبدأ و مقصد دو قالب معنایی دیگر به دست آمد که در جدول اقتباس شده از سمز (۲۰۰۹) نشانه‌ای از آن‌ها نیست. یکی از این قالب‌ها، قالب معنایی شناختی/تفکری است که در پیکره مبدأ پنج مصداق برای آن موجود بود اما در پیکره مقصد به صورت قالب‌های معنایی دیگر برگردان آن‌ها توسط مترجم اثر صورت گرفته است. از جمله افعالی که با این ویژگی خاص در متن انگلیسی رمان آمده می‌توان به افعال ناقل think یا reflect اشاره کرد. قالب دیگر که بسامد کمتری در هر دو پیکره دارد قالب شناخت/قصد (نظیر فعل hope) است که در جدول سمز (۲۰۰۹) نیست.

مسئله مهم دیگر عدم تناسب عددی میان افعال ناقل قالب ترغیب در متن مبدأ (۱۲) و مقصد (۴۹) است. به نظر می‌رسد چون در انگلیسی محاوره‌ای و نیز در فارسی کارکرد اصلی این افعال اساساً بیان نقل قول نیست و بیشتر در متون نوشتاری روایی انگلیسی حالت ناقل به خود می‌گیرند برگردان آن‌ها برای مترجم فارسی زبان دشوار و چالش برانگیز است و مترجم اثر ناگزیر از راهبرد برگردان تبدیل ناقل لحنی به ناقل بیانی (خنی) می‌شود که در هر دو زبان بسامد زیادی دارد.

۴.۲. بررسی راهبردهای برگردان افعال ناقل به فارسی

در گام دوم، متن برگردان با دقت مطالعه شد و راهبردهای تکرارشونده برگردان افعال ناقل شناسایی و متعاقباً شمارش گردید. در مجموع، ۱۲ راهبرد در این مرحله، استخراج گردید. جدول ۴ نوع و میزان بسامد راهبردها در پیکره مقصد را نشان می‌دهد:

جدول ۴. انواع و درصد راهبردهای به‌کاررفته در برگردان فارسی

بسامد در پیکره فارسی	راهبردهای به‌کاررفته در برگردان افعال ناقل	
۲۵۴ (%۷۲/۳۶)	برگردان تحت‌اللفظی	۱
۲۸ (%۷/۹۷)	تبدیل فعل ناقل لحنی به فعل خنثی	۲
۲۲ (%۶/۲۶)	تبدیل فعل غیرناقل به ناقل	۳
۱۶ (%۴/۵۵)	ساخت قید + فعل	۴
۱۵ (%۴/۲۷)	ساخت حرف اضافه + فعل	۵
۱۲ (%۳/۴)	تبدیل فعل ناقل به دو فعل در برگردان	۶
۶ (%۱/۷)	اضافه‌کردن فعل ناقل	۷
۴ (%۱/۱۳)	تبدیل فعل ناقل به غیرناقل	۸
۱ (%۰/۲۸)	تبدیل ساخت قید + فعل به یک فعل ناقل در زبان مقصد	۹
۱ (%۰/۲۸)	تبدیل فعل ناقل خنثی به لحنی	۱۰
۱ (%۰/۲۸)	حذف فعل ناقل	۱۱
۱ (%۰/۲۸)	برگردان حاوی حشو معنایی	۱۲

بررسی جدول فوق حاوی نکات مهم و قابل توجهی است. پر تکرارترین راهبرد، راهبرد برگردان تحت‌اللفظی است یعنی یک معادل در زبان مقصد در ازای یک فعل ناقل با همان معنا قرار گرفته است. این راهبرد بیشتر در مورد افعال ناقل مربوط به قالب معنایی ارتباط بیانی (نظیر say) و قالب معنایی ارتباط پرسشی (مانند ask) صورت گرفته است:

'Yes, I know,' I **said** with something like despair in my heart, ... (Joseph Conrad: Three Novels, 1995, p. 89)

با چیزی نظیر نو میدی در دلم، گفتم (برگردان تحت‌اللفظی): «بله، می دانم»، ...
(دل تاریکی، ۱۳۶۴، ص. ۱۵۷)

'Ever any madness in your family?' he asked, in a matter-of-fact tone.
(Joseph Conrad: Three Novels, 1995, p. 13)

به لحنی عادی پرسید (برگردان تحت‌اللفظی): «سابقه دیوانگی در خانواده‌ات نبوده؟» (دل تاریکی، ۱۳۶۴، ص. ۴۵)

در دومین راهبرد برگردان فعل ناقل که بیشترین بسامد را دارد، فعل ناقلی که مطلبی را با حالت یا لحن صوتی خاصی ادا می‌کند یا بار معنایی خاصی دارد به صورت یک فعل خنثی (فاقد لحن صوتی یا ویژگی گفتاری) به فارسی برگردانده شده است. بسامد نسبی بالای این راهبرد در پیکره فارسی احتمالاً بار دیگر به خاطر کاربرد اندک چنین افعالی در فارسی در مقایسه با انگلیسی یا اساساً عدم کاربرد آنها به صورت فعل ناقل در زبان فارسی است:

'It must be this miserable trader-this intruder,' exclaimed the manager, ...
(Joseph Conrad: Three Novels, 1995, p. 44)

مدیر ... در آمد (تبدیل فعل ناقل لحنی به فعل خنثی) که: «کار کار این تاجر بی چشم و روست.» (دل تاریکی، ۱۳۶۴، ص. ۹۲)

مترجم اثر در سومین راهبرد پرکاربرد ترجمه، افعالی را که در حالت عادی ناقل نیستند (دست‌کم در زبان گفتاری) به فعل ناقل تبدیل می‌کند. این امر احتمالاً به خاطر طبیعی جلوه دادن ترجمه در زبان مقصد باشد. ضمن اینکه عدم تناظر یک‌به‌یک میان ناقل‌های انگلیسی و فارسی در نتیجه تعداد نابرابر آنها در اتخاذ چنین راهبردی نمی‌تواند بی‌تأثیر بوده باشد:

'Mind,' he began again, ... 'Mind, none of us would feel exactly like this ...' (Joseph Conrad: Three Novels, 1995, p. 7)

از تو گفت (تبدیل فعل غیرناقل به ناقل): «این را بگویم که اگر ما بودیم عین چنین احساسی به ما دست نمی‌داد ...» (دل تاریکی، ۱۳۶۴، ص. ۳۶)

در راهبردهای برگردانی نسبتاً پر بسامد شماره ۴ و ۵، مترجم اقدام به ترجمه فعل تک کلمه انگلیسی، که عمدتاً یک فعل لحنی است، با استفاده از مفعول حرف اضافه/عبارت قیدی + فعل می‌نماید:

'And I was not with him,' she **murmured**. (Heart of Darkness, 1995, p. 90)

به پچ‌پچه گفت (ساخت حرف اضافه + فعل): «و من در کنارش نبودم.» (دل تاریکی، ۱۳۶۴، ص. ۱۵۹)

He **protested** indignantly. Mr. Kurtz couldn't be mad. (Joseph Conrad: Three Novels, 1995, p. 66)

با عتاب و خطاب گفت (ساخت حرف اضافه + فعل) که آقای کورتز کجا و دیوانگی کجا. (دل تاریکی، ۱۳۶۴، ص. ۱۲۴)

'Everything that could be done -' I **mumbled**. (Joseph Conrad: Three Novels, 1995, p. 90)

من من کنان گفتم (ساخت قیدی + فعل): «هر کاری که از دستم بر می‌آمد...» (دل تاریکی، ۱۳۶۴، ص. ۱۵۹)

دست آخر، در پاره‌ای از موارد، نویسنده فعل ناقل اصلی را در فارسی به صورت دو فعل آورده است تا هم حالت نقل قول آن را حفظ کند و هم لحن کلامی یا حالت فیزیکی آن را منتقل کرده باشد. مترجم از این راهبرد خصوصاً برای برگردان دو فعل *interrupt* و *assure* بسیار بهره جسته است:

I hastened to **assure** him I was not in the least typical. (Joseph Conrad: Three Novels, 1995, p. 13)

بی‌معطلی خیالش را آسوده کردم و گفتم (تبدیل فعل ناقل به دو فعل در برگردان): «انگلیسی خالص و خلص نیستم...» (دل تاریکی، ۱۳۶۴، ص. ۴۵)

'Are you an alienist?' I interrupted. (Joseph Conrad: Three Novels, 1995, p. 13)

به میان حرفش در آمدم و گفتم (تبدیل فعل ناقل به دو فعل در برگردان): «مگر روانکاو هستید؟» (دل تاریکی، ۱۳۶۴، ص. ۴۵)

از موارد کم کاربردتر راهبردهای برگردانی مورد استفاده صالح حسینی می‌توان به افزودن فعل ناقل زبان مقصد در جایی که در پیکره مبدأ در برابر آن گزینه تهی وجود دارد و نیز تبدیل فعل ناقل به فعل غیرناقل در فارسی اشاره کرد. در حالت اول، نویسنده، احتمالاً جهت برقراری و حفظ روانی کلام ترجمه شده خود، فعلی را عمدتاً از قالب ارتباط بیانی) به متن ترجمه شده اضافه می‌کند:

Did I not think so? (Joseph Conrad: Three Novels, 1995, p. 85)

بعد پرسید که (اضافه کردن فعل ناقل) مگر نظر شما این‌طور نیست؟ (دل تاریکی، ۱۳۶۴، ص. ۱۵۲)

'I say, I don't like this ...' (Joseph Conrad: Three Novels, 1995, p. 62)

«بین، این را خوش ندارم ...» (تبدیل فعل ناقل به فعل غیرناقل) (دل تاریکی، ۱۳۶۴، ص. ۱۱۸).

نتایج پژوهش حاضر از جهاتی مؤید یافته‌های تحقیقاتی است که در زمینه مقایسه افعال ناقل در فارسی و سایر زبان‌ها خصوصاً انگلیسی صورت پذیرفته است. برای مثال، مشخص شد بیشترین راهبرد ترجمه در آثار مترجمان فارسی همچون اثر فعلی، راهبرد ترجمه تحت‌اللفظی (نورا، ۱۳۹۳) است. چنین راهبردی عمدتاً در رابطه با افعال قالب معنایی ارتباط بیانی نظیر say و قالب ارتباط پرسشی همچون ask اعمال می‌شود؛ چون در فارسی معادل چنین افعالی بسامد نسبتاً زیادی دارد و از گستردگی بافت بسیاری برخوردار است. همچنین، راهبردهایی نظیر قید + فعل، حذف، و تبدیل به فعل ناقل دیگر آن‌چنان که در پژوهش نورا (۱۳۹۳) مشهود است در پیکره فارسی این پژوهش نیز به کار گرفته شده‌اند. به نظر می‌رسد یکی از وجوه تمایز و برتری پژوهش پیش‌رو بر پژوهش نورا (۱۳۹۳) کاربست یافته‌های توصیفی رویکرد

معناشناسانه قالبی است که باعث شده مثلاً در مورد شیوه «تبدیل به فعل ناقل دیگر» نوع و قالب معنایی دیگرگون شده به وضوح مشخص شود.

در رابطه با سایر راهبردهای استخراج شده، به نظر می‌رسد زبان فارسی از ابزار کافی و مناسب برای برگردان مقوله‌های کمتر پژوهش شده‌ای همچون ساخت‌های نقل قولی بهره‌مند باشد. مسئله اصلی این است که باور داشته باشیم زبان فارسی درگیر نوعی برهم‌کنش یا ارتباط دوسویه و هم‌افزایانه با فرایند ترجمه متون زبان‌های دیگر است بدین معنا که تفکر و درون‌نگری در منابع و ظرفیت‌های بیانی فارسی و کشف و استخراج آن‌ها هم بر تنوع و گستردگی ساخت‌های مورد استفاده در ترجمه اثر می‌گذارد و هم خود بر اثر ترجمه، غنی‌تر می‌شود و برای بیان مقاصد و مفاهیم یا بازگردان مقولات و ساخت‌ها کارآمدتر می‌شود.

با توجه به این که ژانرهای نسبتاً جدید ادبیات روایی نظیر رمان در سنت ادبی ما کالای وارداتی به‌شمار می‌روند و به‌طور خاص در ادبیات اروپایی پرورده شده‌اند و نیز اگر مانند نورا (۱۳۹۳) بپذیریم که برگردان آثار روایی غربی بر تنوع و غنای افعال ناقل در فارسی افزوده است، می‌توان نتیجه گرفت که فارسی هم به‌لحاظ ابزار و منابع زبانی که در اختیار دارد بر چنین غنایی تأثیر گذاشته و هم از آن متأثر شده است. این می‌تواند درس و تجربه‌ای برای مترجمان تازه‌کار و کم‌تجربه باشد که با غور و تفحص بیشتر در آثار و منابع شفاهی و کتبی زبان فارسی مهارت‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای خود را ارتقا دهند. این امر مستلزم این است که به‌قول شون^۱ (۱۹۹۲) فرد عامل^۲ در حرفه خود هم به تفکر در عمل^۳ مشغول شود و هم به تفکر بر عمل^۴. به عبارت دیگر (در این مورد خاص یعنی ترجمه)، مترجم هم در حین برگردان متون در مواجهه با مسائل ترجمه به کنکاش در مورد راهبردهای حل و فصل و تأثیرگذاری و کارآمدی آن‌ها پردازد و هم بعد از اتمام کار ببیند راهبردها و ساخت‌های اتخاذ

1. Schön

2. practitioner

3. reflection in practice

4. reflection on practice

شده در مورد یک مسئله خاص زبانی چگونه ممکن است به حل آن مسئله کمک کرده باشد. در این راه آنچه بیش از همه به کار فرد عامل یعنی مترجم می‌آید تلفیقی از دانش تخصصی و هنرورزی^۱ است (شون، ۱۹۹۲). ترجمه به‌عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای باید به‌ویژه از زبان‌شناسی به‌عنوان رشته مادر و تغذیه‌گر^۲ در تحلیل‌های خود نهایت استفاده را ببرد. علاوه بر چنین دانشی خلاقیت مترجم نیز می‌تواند در حل مسائل ترجمه، نقش برجسته‌ای ایفا کند.

در تحلیل پایانی می‌توان گفت که تنوع راهبردهای برگردان افعال ناقل در زبان فارسی، آن‌چنان‌که از این پژوهش موردی بر می‌آید، گواهی است بر تلاش زیادی که مترجمان آثار روایی نوشتاری به خرج می‌دهند و انرژی‌ای که صرف این کار می‌کنند. از دیگر سو، این امر نشان‌دهنده گسترده‌گی بیشتر و انعطاف ساخت‌های مربوط به افعال ناقل در انگلیسی است. به‌نظر می‌رسد در زبان فارسی جای پژوهشی توصیفی درباره انواع فعل ناقل که مترجمان تازه‌کار با استناد به آن‌ها به ترجمه آثار داستانی انگلیسی مشغول شوند یا آن را سرآغاز کار خود قرار دهند، همچنان خالی است. در صورت تداوم موردپژوهی‌هایی از این دست می‌توان امیدوار بود به فهرست توصیفی جامع، قابل استناد و تعمیم‌پذیر از راهبردهای ترجمه افعال ناقل در فارسی دست یافت و در برگردان آثار غنی از افعال ناقل که در آینده ترجمه خواهند شد استفاده کرد و به پختگی و اعتلای آن‌ها افزود.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش موردی حاضر کوشیده است با بررسی تطبیقی ماهیت و میزان رخداد افعال ناقل در رمان انگلیسی *دل تاریکی* و برگردان فارسی آن از منظر معناشناسی قالبی به فهرستی از راهبردهای ترجمه آن‌ها در فارسی دست یابد. در مرحله اول پژوهش، افعال ناقل هر دو پیکره مذکور مطابق با فهرست معناشناسانه قالبی سمز (۲۰۰۹) بررسی شدند که مشخص شد رخداد هر گونه معنایی در دو پیکره مذکور

1. artistry

2. Feeder discipline

تقریباً به شکل مشابهی مشهود است. تنها قالب معنایی ارتباط بیانی در پیکره فارسی بسامد بیشتری نسبت به پیکره انگلیسی داشت که می‌توان علت این موضوع را در کاربرد بسیار چنین قالب‌هایی و کمی سایر قالب‌ها در فارسی جستجو کرد. سایر قالب‌ها در پیکره زبان مبدأ تکرار بیشتری داشتند که باز این امر تا حدی مربوط به تنوع و انعطاف کاربردی بیشتر آن‌ها در انگلیسی می‌شود. در گام دوم، پس از بررسی نحوه برگردان این افعال در زبان فارسی فهرستی مشتمل بر دوازده راهبرد برگردان افعال ناقل از پیکره فارسی استخراج شد. بررسی در صد تکرار راهبردها نشان داد که پس از راهبرد ترجمه تحت‌اللفظی، به‌ترتیب راهبردهایی نظیر تبدیل افعال ناقل لحنی به خنثی، تبدیل فعل غیرناقل به فعل ناقل، استفاده از ساخت‌های قید + فعل و حرف اضافه + فعل، و تبدیل فعل ناقل به دو ناقل در متن انگلیسی بیشتر به‌کار رفته بودند.

از آن جا که چنین افعالی خصوصاً در دو گونه روایی نوشتاری و مطبوعاتی (سمر، ۲۰۰۹) بسیار زیاد به‌کار می‌روند، انجام مطالعاتی از این دست خصوصاً اجرای پروژه‌های تحقیقاتی گسترده می‌تواند منجر به تهیه فهرستی توصیفی از معادل‌های آن‌ها و به تبع آن راهبردهای ترجمه در فارسی شود تا ضمن این که مترجمان، خصوصاً مترجمان تازه‌کار، از آن‌ها بهره‌مند شوند نوعی حساسیت مثبت در این زمینه نسبت به ظرفیت زبان فارسی در امر ترجمه در میان پژوهشگران و مترجمان ایجاد کند.

مطالعات آتی در این زمینه می‌توانند با اتخاذ رویکردی فرایندمحور با انجام روش‌هایی نظیر انجام مصاحبه با مترجمان آثار روایی انگلیسی غنی از افعال ناقل و پژوهش‌های گذشته‌نگر^۱ به روشن‌سازی فرایندهای شناختی^۲ که مترجم چنین آثاری در برگردان ساخت‌های ناقل از آن‌ها استفاده می‌کند کمک شایانی نمایند. علاوه بر آن، به‌نظر می‌رسد جای مطالعات کاربردی، نظیر ارزیابی و مقایسه برگردان اثری به‌خصوص که توسط دو مترجم به فارسی برگردان شده یا آثار ماهیتاً متفاوت در

1. retrospective research

2. cognitive processes

عرصه ترجمه این کشور خالی است. همچنین، از نقطه نظر بازترجمه^۱ یک اثر (کاسکینن و پالوپوسکی^۲، ۲۰۱۰؛ لایوسا، پاگانو، کمپانن و جی، ۲۰۱۷)، محققان آتی می‌توانند نحوه تطور و پیشرفت برگردان افعال ناقل را در اثری کلاسیک که در دوره‌ها و فواصل زمانی مختلف ترجمه شده بررسی کنند.

انتظار می‌رود مطالعاتی از این دست و تحقیقات گسترده‌تر آتی به ایجاد حساسیت مثبت در مترجمان، خصوصاً آن‌هایی که تازه به وادی برگردان آثار روایی قدم نهاده‌اند و نیز محققان و ارزیابان ترجمه کمک کند. در این صورت شاهد غنای بیشتر ظرفیت زبان فارسی در ترجمه خواهیم بود.

کتابنامه

بهبزادی، م.، خزاعی فرید، ع.، و خوش سلیقه، م. (۱۳۹۵). تحلیل شیوه‌های گوناگون بازنمایی گفتار در داستان‌های فارسی قبل و بعد از نهضت ترجمه در عصر قاجار. *زبان و ادبیات فارسی*، ۸۱(۲۶)، ۷-۳۲.

کنراد، ژ (۱۳۶۴). *دل تاریکی*. ترجمه صالح حسینی. تهران: نیلوفر.

نورا، م. (۱۳۹۳). تحول افعال ناقل در متون روایی زبان فارسی در اثر ترجمه. مترجم، ۵۴، ۷۹-۹۸.

نورا، م.، و خزاعی فرید، ع. (۱۳۹۷). توصیف برخی هنجارهای زبانی مترجمان ادبی ایران از آغاز مشروطه تاکنون. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۱(۴)، ۴۹-۸۴.

Baker, M. (2000). Towards a methodology for investigating the style of a literary translator. *Target*, 12, 241-266.

Caldas-Coulthard, C. R. (1994). On reporting: The representation of speech in factual and fictional narratives. In M. Coulthard (Ed.), *Advances in written text analysis* (pp. 295-308). London England: Routledge.

Conrad J. (1995). *Joseph Conrad: Three novels*. London, England: MacMillan.

Konno, M. (2013). Inverted reporting verbs in the sentence-initial position in English. *Token: A Journal of English Linguistics*, 2, 149-168.

Koskinen, K., & Paloposki, O. (2010). Retranslation. In Y. Gambier, & L. van Doorslaer (Eds.), *Handbook of translation studies*, (pp. 294-298). Amsterdam, Netherlands: John Benjamin.

1. retranslation

2. Koskinen & Paloposki

- Laviosa, S., Pagano, A., Kemppanen, H., & Ji, M. (2017). *Textual and contextual analysis in empirical translation studies*. Singapore, Malaysia: Springer.
- Mokhtari Ardekani, M. A. (2002). The translation of reporting verbs in English and Persian. *Babel*, 48(2), 125-134.
- Murphy, M. L., & Koskela, A. (2010). *Key terms in semantics*. London, England: Continuum.
- Pipalova, R. (2012). Framing direct speech: Reporting clauses in a contrastive study. *Prague Journal of English Studies*, 1(1), 74-107.
- Puurtinen, T. (2003). Genre-specific features of translationese? Linguistic differences between translated and non-translated Finnish children's literature. *Literary and Linguistic Computing*, 18(4), 389-406.
- Saldanha, G., & O'Brien, S. (2013). *Research methodologies in translation studies*. New York, NY: Routledge.
- Sams, J. (2009). Genre-controlled construction in written language quotatives: A case study of English quotatives from two major genres. In R. Corrigan, E. A. Moravcsik, H. Ouali, & K. M. Wheatley (Eds.), *Formulaic language 1: Distribution and historical change* (pp. 147-169). Amsterdam, Netherlands: John Benjamin.
- Schön, D. A. (1992). *The reflective practitioner: How professionals think in action*. London, England: Routledge.
- Winters, M. (2007). F. Scott Fitzgerald's *Die Schönen und Verdammten*: A corpus-based study of speech-act report verbs as a feature of translators' style. *Meta*, 52(3), 412-425.
- Wirf Naro, M. (2012). Fictive orality and formality as a translation problem. In J. Brumme, & A. Espunya (Eds.), *Approaches to translation studies 35* (pp. 100-118). Amsterdam, Netherlands: Rodopi.